

«فرهیختگان» از یک آسیب مهم طرح رتبه‌بندی گزارش می‌دهد

معلمان را گرفتار مافیای مقاله‌فروشی نکنید



سیدعلیرضا طاهری خبرنگار

طرح رتبه‌بندی معلمان که در سال‌های اخیر به یکی از پرچالش‌ترین مسائل در ساختار آموزشی کشور تبدیل شده، اکنون مجدداً در دستور کار دولت برای بازبینی قرار گرفته است. این طرح که با هدف ارتقای کیفیت فرایند آموزش، متناسب‌سازی حقوق با تخصص و ایجاد رقابت میان معلمان آغاز شد، در عمل با چالش‌ها و بحران‌های متعددی مواجه شد که می‌توان گفت آن را از اهداف اولیه خود دور ساخت. یکی از مهم‌ترین بخش‌های این طرح که بیشترین حواشی را تا امروز به دنبال داشت، موضوع کسب امتیاز معلمان از طریق ارائه مقاله و تألیف کتاب بود. در حالی که مسئولان بر این باور بودند که این سازوکار به پویایی و به‌روزرسانی معلمان کمک خواهد کرد اما گذشت زمان نشان داد این رویکرد نه‌تنها به نفع معلمان نبود، بلکه مشکلات جدیدی را نیز ایجاد کرد، برای مثال به جای تمرکز معلمان بر کیفیت تدریس و ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان، معلمان ناگزیر شدند درگیر فرایندهای خارج از حوزه اصلی خود شوند. همین امر کافی بود تا شاهد اتفاقاتی مانند مقاله‌فروشی در بازارهای سیاه باشیم، این مشکل و مسائل دیگر باعث شد برخی معلمان از رسالت اصلی خود دور بمانند. محمدرضا نیک‌نژاد، کارشناس حوزه آموزش و پرورش و عطیه موسوی، دبیر باسابقه آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «فرهیختگان» پیامدهای آن را بررسی کرده‌اند. آن‌ها به این نکته اشاره کردند که عدم توجه به واقعیت‌های موجود در نظام آموزشی، از دلایل اصلی ناکامی این طرح رتبه‌بندی بوده است. طرحی که قرار بود باعث افزایش کیفیت آموزش بشود و عاملی برای ایجاد رقابت بین معلمان و تفکیک آنها بر اساس مهارت و تخصص شود اما راه به جایی نبرد. مباحث مطمح‌شده نشان می‌دهند این طرح، در عمل، امکان ایجاد رقابت سالم و پرداخت حقوق به‌تناسب تخصص را نداشته و به عاملی مشکل‌آفرین تبدیل شده است.

برای ارزیابی معلمان از روش‌های قدیمی استفاده می‌شود

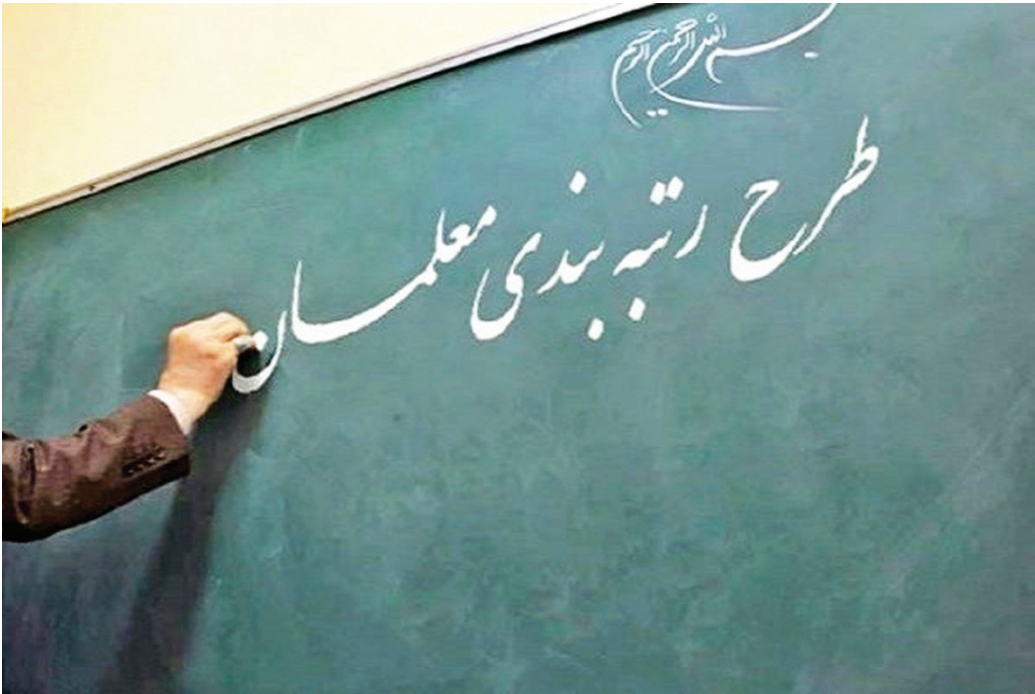
نیک‌نژاد در خصوص طرح رتبه‌بندی معلمان و تأکید بر امتیازدهی بر پایه مقاله‌نویسی و تألیف کتاب بیان کرد: «ما متأسفانه از روش‌هایی که اتکالی اصلی‌شان همچنان بر آموزش سنتی است استفاده می‌کنیم. در جهان، دست‌کم از گام‌های اولیه آموزش مدرن ۲۰۰ سال می‌گذرد؛ یعنی بیش از ۲۰۰ سال است که تاریخ از شروع این نوع آموزش گذشته است. مقاله‌نویسی و نوع سنجش‌هایی که در آموزش عالی صورت می‌گیرد امروز به آموزش و پرورش هم سرایت کرده است. یک فرد وقتی می‌خواهد معلم شود، می‌رود دانشگاه درسش را می‌خواند یا می‌رود دانشگاه فرهنگیان آنجا درس می‌خواند. این فرد ابتدا باید پایان‌نامه ارائه بدهد یا پروپوزال بدهد، چون در دانشگاه دارد درس می‌خواند. اما فردی که معلم شده، چرا باید مشابه یک دانشجو مقاله بدهد؟! باید گفت پایش‌های ما همچنان بر آن دیدگاه سنتی و ریشه‌های گذشته است. این پایش‌ها بر این مبناست که هرکسی دارد یک کار علمی می‌کند، پس باید این کار علمی یک برون‌داد داشته باشد به نام ارائه پژوهش، به نام ارائه مقاله، برای همین مقاله‌نویسی برای معلمان را دارای امتیاز کردند اما این کارها اصلاً برای معلمان آموزش و پرورش نیست.»

معلم پژوهشگر، نیاز آموزش ما نیست!

نیک‌نژاد با اشاره به این مسئله که معلمان می‌بایست با هر مدرکی که دارند نحوه اداره کلاس درس و ارتباط با دانش‌آموزان را یاد گرفته و بلد باشند، بیان کرد: «من دبیر فیزیک بازنشسته‌ام. در طول زندگی حرفه‌ایم، حداقل معلمانی داشتم که دکتر بودند، عناوینی داشتند، برخی فوق‌لیسانس و برخی پژوهشگر بودند. معلمانی هم از بیرون می‌آمدند که معلم رسمی نبودند ولی با مدارک بالایی وارد مدارس می‌شدند. بااین حال بسیاری از این معلمان به دو دلیل اول به‌خاطر عدم مهارت کلاس‌داری نمی‌توانستند با بچه‌ها ارتباط برقرار کنند و دوم، بعضاً به دلیل اینکه سطح سوادشان بالا بود اما چون بلد نبودند نمی‌توانستند این ارتباط با بچه‌ها را به‌صورت حرفه‌ای برقرار کنند. همین‌ها موجب شد به دانش‌آموزان و کلاس درس آسیب جدی وارد شود. به‌هر حال ما اصلاً به معلم پژوهشگر نیاز نداریم.» نیک‌نژاد همچنین بیان کرد: «آموزش ضمن خدمت سال‌ها در آموزش و پرورش تعطیل شده، در حال حاضر یک امتحان آنلاین برگزار می‌کنند و معلمان امتحان می‌دهند. مقداری هزینه نیز به حسابی ارایز می‌کنند تا امتیازش بعداً برایشان ثبت شود، بنابراین این سبک از فعالیت به ریشه‌های سنتی آموزش و آموزش عالی در ایران برمی‌گردد. نوع نگاهی که معتقد است هر کسی دارد کار علمی می‌کند، حتماً باید پژوهشگر هم باشد و مقاله یا کتابی داشته باشد، البته این نوع نگاه درست نیست.» وی در ادامه با توضیح این گزاره که معلم به‌جای آنکه پژوهشگر باشد می‌بایست معلمی باشد که پژوهش بخواند، گفت: «معلم باید مقاله علمی بخواند و اطلاعاتش را بروز کند اما این معلم ضرورتی ندارد مقاله علمی بنویسد. مگر او باید در کنار آموزش کار علمی و پژوهشی کند؟! مگر کار معلم کار آکادمیک است که بنیاید به دانشگاه یا به آموزش و پرورش مقاله ارائه بدهد؟! به نظر من این نوع برخورد با معلمان کاملاً صوری است.»

با عدد نمی‌توان کیفیت معلم را سنجید

نیک‌نژاد با اشاره به جنس کاری معلمان که به‌شدت کیفی است، گفت: «کیفیت معلمی به عدد و رقم نمی‌آید. این بحث من به تنهایی نیست؛ این یک بحث جهانی است. معلم کار کیفی می‌کند، با اعداد و عدد و رقم و شماره



یا سازمان برنامه و بودجه، با اجرای ۵۰ درصد فوق‌العاده شغل برای معلمان مخالفت می‌کند، با این استدلال که آن‌ها رتبه‌بندی را دریافت کرده‌اند.»

معلمان ما چندشغله هستند

نیک‌نژاد در باربظ مسئله اقتصادی معلمان به مقاله‌نویسی جهت ارتقای رتبه گفت: «ربط موضوع اقتصادی به بحث ما در این است که وزیر آموزش و پرورش وقت، یعنی آقای بطحایی، در دوران دولت روحانی گفته بود ما معلم مردی نداریم که فقط با شغل معلمی زندگی‌اش بچرخد. معلم‌های خانم نیز معمولاً کمک‌خرج خانواده هستند، اما معلم مرد، شغلی دوم یا سوم هم دارد. الان ۹۰ درصد معلمان ما، به ویژه مردان، شغل دوم و سوم دارند. به‌نظر اگر مسئولان کمکی می‌خواهند انجام بدهند این است که این رتبه‌بندی و بحث ۵۰ درصد فوق‌العاده شغل را کنار بگذارند. یک حقوق میانگین کشوری به معلمان بدهند، مثلاً سه اندازه‌ای که کف خط فقر را پوشش دهد. من معتقدم که معلمی که درگیر این مسائل اقتصادی است، نمی‌تواند به کارهای حرفه‌ای خود بپردازد. انگیزه‌ای برای این کار ندارد چه برسد نوشتن مقاله و تألیف کتاب.»

طرح رتبه‌بندی معلمان در ایران جوابگو نیست

او با بیان اینکه این مدل از طرح رتبه‌بندی جوابگو نیست، و با اشاره به تجارب جهانی گفت: «من معتقدم که طرح رتبه‌بندی معلم در ایران جوابگو نیست. در بسیاری از کشورها، افزایش حقوق بر اساس سنوات خدمت است و ارتقای شغلی سالانه دارند. در ژاپن و فنلاند، این سیستم در حال اجراست. در بسیاری از کشورها، افزایش حقوق را به داده‌های آموزشی مانند معدل و نمره موکول نمی‌کنند. من معتقدم که این کار خطا است و نتیجه مثبتی هم نداشته است. پژوهش‌ها هیچ شهادتی مبنی بر افزایش کیفیت آموزش با رتبه‌بندی ارائه نمی‌دهند.»

نیک‌نژاد در ادامه بیان کرد: «در فنلاند، برای هر ۲۰۰۰ معلم مورد نیاز، ۱۰ هزار نفر درخواست می‌دهند. آن‌ها در فرایند گزینش، اولین سؤالی که از معلم می‌پرسند این است: «چرا می‌خواهی معلم شوی؟» و ساعت‌ها با آن‌ها صحبت می‌کنند تا دلایل معلم شدنشان را بفهمند. این نشان می‌دهد که اولویت آن‌ها در گزینش افراد علاقه‌مند به این شغل است، نه مبنای دیگر.» وی گفت: «ما باید به دنبال ایده جایگزین برای چنین طرحی باشیم» و در این زمینه می‌گوید: «روش جایگزین این طرح همان روش‌های قبلی است. در واقع، افزایش سنوات را برای این معلمان باید برگرداند و در کنار آن، حقوق و مزایا را به سطح متوسطی برساند تا بتوانند زندگی متوسطی برای آن‌ها تأمین کنند. هم‌زمان، زمانی که این اتفاق افتاد، بر روی معلم و کار حرفه‌ای او تمرکز کنند؛ یعنی ببینند این معلم در کلاس چه می‌کند! روش‌هایی مانند درس‌پژوهی و اقدام‌پژوهی پژوهش نیستند؛ بلکه درس و گفت‌وگوی بین خود معلمان هستند. معلمان تدریس می‌کنند و دیگران می‌بینند. ژاپن در این زمینه بسیار موفق است و اتفاقاً مبدع آن یک ایرانی به نام دکتر سرکارانی است. در آنجا معلمان در هفته دو یا سه جلسه با هم تدریس یکدیگر را نقد می‌کنند و نکاتی را به هم اضافه می‌کنند تا آموزش بهینه‌ای داشته باشند. این موضوع در ضمن خدمت هم صدق می‌کند؛ زمانی که من خودم معلم شدم، چیزهای زیادی از معلم‌های باتجربه یاد گرفتم. سر کلاس آن‌ها می‌نشستم، علم و روش تدریس‌شان را به من منتقل می‌کردند و شیوه‌های مهارتی زیادی از آن‌ها آموختم.»

مقاله‌محوری باعث ایجاد بازار سیاه شده است

نیک‌نژاد در آخر می‌گوید: «امروزه دوره‌های ضمن خدمت نه‌تنها پولی شده‌اند (در گذشته پولی نبودند و هزینه کلاس‌ها را خود آموزش و پرورش می‌داد)، بلکه هر کسی که بخواهد در دوره ضمن خدمت شرکت کند و چیزی یاد بگیرد، باید پولی پرداخت کند. سپس کتابی معرفی می‌شود که آن را می‌خوانند و به‌صورت آنلاین امتحان می‌دهد. ارائه تألیفات و مقالات علمی یا یادداشت‌ برای معلم، صرفاً یک چیز اضافه است و واقعاً گره‌گشا نیست. در کار حرفه‌ای معلم، نه‌تنها گره‌گشا نیست، بلکه همه معلمان نه توانایی‌اش را دارند و نه انگیزه‌اش را که بروند دنبال پژوهش و مقاله‌نویسی.

این کار انگیزه می‌خواهد. برخی معلم‌ها چون نمی‌توانند سراغ چنین کاری بروند، این موضوع متأسفانه به تقلب بین معلمان دامن زده است؛ چون یک رقابتی ایجاد شده و معلم نمی‌خواهد از رقابت عقب بماند، مقالات علمی را به دیگران سفارش می‌دهد تا برایش بنویسند. جلوی دانشگاه تهران این نوع مقالات را می‌فروشند. امروزه هم با کمک هوش مصنوعی کار واقعاً ساده‌تر شده و این موضوع به تقلب و تخلف دامن می‌زند. برخی معلمان واقعاً نمی‌دانند باید چه کار کنند و وارد این فضا هم نمی‌شوند. اما عده‌ای از معلمان بلدند. باید حتماً به این نکته توجه کرد که چون مقاله‌نویشتن و ارائه مقاله از توان بسیاری از معلمان خارج است، برای گرفتن امتیاز متأسفانه دست به تقلب هم می‌زنند.»

ارزیابی شایستگی حرفه‌ای شخصی‌سازی شده است

طیبه موسوی، دبیر آموزش و پرورش با توضیح طرح قبل از رتبه‌بندی معلمان گفت: «در سال‌های گذشته مسئولان امر آمدند و خواستند حقوق معلمان را بالا ببرند. بر این اساس، ارزیابی‌های قبلی را تغییر دادند و چنین ارزیابی‌ای را نهادینه کردند که به نظر من کارشان اشتباه بود. باید توجه کرد برای معلمان در دوره‌های قبل از رتبه‌بندی، سنوات خدمتشان افزایش پیدا می‌کرد و به گروه آن‌ها اضافه می‌شد. به‌عبارت دیگر، هر چهار سال که معلم کار می‌کرد، یک گروه نیز افزایش پیدا می‌کرد. یا اگر در طول دوره خدمت، مثلاً در لیسانس استخدام شده بودند و در طول تحصیل فوق‌لیسانس می‌گرفتند، در چنین شرایطی یک گروه افزایشی به معلم اضافه می‌شد. همچنین در طول این دوره، دوره‌های ضمن خدمت مجازی نبود بلکه حضوری بود و آن هم سالانه ۴۰ ساعت بود. این ۴۰ ساعت را معلمان حضوری می‌رفتند.»

موسوی در ادامه گفت: «در سال‌های گذشته به معلمان امتیاز می‌دادند. برای مثال، هر سال به معلم‌ها ۱۰۰ امتیاز می‌دادند. در کنار این موارد از ابزارهای دیگر ارزیابی معلمان استفاده می‌شد؛ برای مثال ارزیابی رفتارشان با بچه‌ها و دانش‌آموزان بود. دانش‌آموزان در نظرسنجی آخر سال شرکت می‌کردند و به تدریس معلم خود امتیاز می‌دادند. یعنی یک‌سری معیارهای ارزیابی معلمان داشتند. همچنین یکی دیگر از امتیازها در هر سال بر این اساس بود که معلمان اقدام‌پژوهی داشتند. اقدام‌پژوهی یعنی معلم یک تجربه جدید در کلاس را به دست آورده، مثلاً فهمیده است بخشی از کتاب سخت است، ابهام دارد و باید به‌گونه‌ای دیگر تدریس شود. به‌عبارتی، هر معلمی یک مسئله واقعی و تجربه واقعی‌اش از کلاس درس را مکتوب می‌کرد و می‌آمد تجربه زیست‌اش را برای دیگر معلمان بیان می‌کرد. این‌ها هم‌دانش‌روی هم رفته ۱۰۰ امتیاز می‌شد، هر معلم اگر سه سال پشت سر هم ۱۰۰ امتیاز می‌گرفت، باز تعدادی امتیازی افزایش پیدا می‌کرد. در کنار این‌ها آمدند تقدیرنامه‌هایی هم گذاشتند.»

موسوی همچنین در ادامه بیان کرد: «حالا تمام این نظم تغییر کرده و طرح رتبه‌بندی جای آن را گرفته است، به این علت که مثلاً می‌خواهیم افزایش حقوق بدهیم. در این طرح افراد کمی به ۳۰۰ امتیاز می‌رسیدند. به‌گونه‌ای، این ۳۰۰ امتیاز بسیار شانس‌ی است. برای مثال اگر یک مدیر خصوصی با یکی از افراد زیر دستش داشته باشد، همین باعث می‌شود به امتیاز کامل دست پیدا نکنند. این قسمت اول بود که به آن می‌گفتند ارزیابی شایستگی حرفه‌ای که اصلاً شایستگی حرفه‌ای از آن درنی‌آمد، چون خیلی شخصی بود.»

معلم‌ها در طرح رتبه‌بندی مجبور به تقلب می‌شوند

موسوی در خصوص مقاله‌نویسی معلمان گفت: «معلمی که سر کلاس است، حداقل ۲۴ ساعت در هفته مشغول تعلیم و آموزش است. البته اگر معلم در دبیرستان باشد، این معلم برای تدریس هر کتاب در شرایط کاملاً عادی وقت کم می‌آورد. معلم هر جلسه باید حداقل ۱۰ تا ۱۲ صفحه درس کتاب را تمام کند. در کنار فشار به پایان رساندن کتاب، فشار تعطیلی‌های فراینده نیز هست. همین تعطیلی‌ها باعث شده تا وقت برای تدریس هر کتاب بسیار کم باشد. همچنین هر چند سال یک نوع کتاب جدید اضافه می‌شود؛ مثلاً کتاب‌هایی مانند مهارت زندگی یا سبک زندگی در سال‌های اخیر اضافه شدند. با اضافه شدن این کتب درسی شاهد حذف کتاب درسی دیگر نیستیم؛ بلکه این اتفاق به معنای اضافه شدن یک کتاب به سایر کتب است. به همین دلیل وقت برای تدریس بسیار کم می‌شود و معلم مجبور است در ساعت‌های دیگر بایستد و بر حسب وظیفه خود آن مطالب را آموزش بدهد. در چنین فشاری‌گی‌ای حالا معلم چگونه می‌تواند برود مقاله بنویسد؟! یک مقاله علمی باید شرایط و ضوابط علمی و پژوهشی خاصی را رعایت کند. یک معلم با وجود چنین فشاری‌گی‌ای که توضیح داده شد، در کنار دغدغه‌های شغلی و معیشتی‌اش چگونه می‌تواند مقاله علمی بنویسد؟ برای همین بعضی از اساتید مجبور شدند برای گرفتن امتیاز بیشتر در طرح رتبه‌بندی بروند همان خیابان انقلاب تا برایشان مقاله بنویسند. البته این روزها مقاله‌نویسی به علت رواج هوش مصنوعی خیلی راحت‌تر شده است. چنین فرایندی در طرح رتبه‌بندی باعث شد تا شاهد رواج یک بحث علمی گسترده باشیم. معلمی که تقلب نمی‌کرد، برای افزایش امتیازش مجبور شد چنین کاری کند.»

موسوی در آخر بیان کرد: «طرح مقاله‌نویسی و تألیف کتاب برای معلم‌ها، نمی‌دانم چه پشتوانه علمی‌ای دارد. در حق معلمان ما احجاف شده است. معلمی که سر کلاس است، اصلاً فرصت این کارها را ندارد. هر مقاله، می‌داند، حداقل ۳ ماه یا ۴ ماه‌زمان می‌خواهد. معلم باید بنشیند، تحقیق کند، پژوهش کند و ساعت‌ها وقت بگذارد و بعد از چند ماه که مقاله ارائه بدهد. معلم‌ها اصلاً چنین وقتی را ندارند. اگر می‌شود هم معلم باشی هم همزمان پژوهشگر باشی و مقاله بنویسی؟!»



گوشمان به شماست تا حرف هایتان را بشنویم.